

بررسی نمودهای تعامل جغرافیای انسانی - طبیعی در معماری به مثابه درونزایی: مطالعه موردی خانه روستایی اورامان^۱

نورالدین پیرخضری

دانشجوی دکترا، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

ویدا تقوایی^۲

دانشیار گروه معماری و ساختمان، دانشگاه فنی و حرفه ای تهران، ایران

بهروز جانی پور

استادیار دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۴

چکیده

امروزه مشابه‌سازی تا کالایی‌سازی، با نادیده انگاشتن ارتباط با ماهیت وجودی بستر بوم (جغرافیای) انسانی طبیعی، بنیان‌های معماری را درنوردیده است. مدل درونزا در اقتصاد با ریشه در گیاه‌شناسی، منابع انسانی و شکوفایی استعداد های درونی انسانی را با آموزش در تقابل با تجمیع امکانات مادی و کالا محوری مورد توجه قرار داده است. پیشینه‌ی این مفهوم با معانی معماری درونزا وارد ادبیات معماری ایران شد که انسان و مردم را به عنوان علت غایی در تقابل با کالایی‌سازی محور قرار داده است. این پژوهش با بسط مفهوم درونزایی در پی آزمون این فرضیه هاست: الف. وجود انسان اندرکنش بوم (جغرافیای) انسانی طبیعی، ماهیت معماری درونزا است که در معماری به حضور می‌آید. ب. دلالت‌های اجتماعی فرهنگی یا زیست بوم انسانی تعیین‌کننده‌ی علل کارکردی، جغرافیایی یا بوم طبیعی است؛ که با روش‌های کیفی و استدلال منطقی، مفهوم نظری معماری درونزا در نسبت با وجود انسان در بوم (جغرافیای) انسانی طبیعی بر ساخت و با روش تفسیر پدیدارشناسانه، وجوه آن را در خانه‌های روستایی اورامان چنان مصداقی استخراج می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که معماری درونزا مدلی برای خلق و نقد، با مفهومی پدیدارشناسانه، حاصل وجود انسان اندرکنش بوم انسانی طبیعی است که در معماری به تماشا می‌آید و تداوم بودن با معماری در بستر بوم با مراقبت، محافظت و مشارکت ممکن می‌شود.

کلمات کلیدی: معماری درونزا، بوم انسانی طبیعی، وجود، خانه‌ی اورامان، محافظت.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان « نقش مصرف‌گرایی بر کیفیت معماری معاصر در تقابل با چگونگی امکان‌دستیابی به ابعادی مفهومی از معماری درونزا (مطالعه موردی: معماری ایران از ۱۹۷۵م) » است که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز انجام گرفته است.

۲- (نویسنده مسئول): Vd.taghvaei@gmail.com

مقدمه

معماری امروز متأثر از جهانی سازی، مصرف گرایی و اغوای ارزش‌های سرمایه داری نوین از محتوی وجودی خود تهی و به ابزار سلطه و مصرف گرایی تغییر ماهیت داده و از خود بیگانه گردیده است، تا جاییکه معماری معاصر بیش از پیش تهی از ماهیت، در عینیت تجسم ثروت و کالا درک شده و کم مایه و تهی از محتوای درونی به طفیلی منتظر بازار یا بیرون از خود بدل شده است. مشابه سازی و کالایی سازی توأم با تخریب مناظر طبیعی فرهنگی و بافت‌های ارزشمند، تمام ابعاد معماری را درنوردیده است. این پژوهش برای دستیابی به معنایی از تقابل با کالایی سازی و مشابه سازی معماری با اتکال به وام‌گیری معنی درونزایی از گیاه شناسی و اقتصاد و بسط نظری ادبیات پژوهش به وجود انسان در مفهوم درونزایی در معماری دست می‌آزد و در پی پاسخ به این پرسش‌ها است: الف. مفهوم معماری درونزا دارای چه نسبتی با وجود انسان اندر کنش بوم (جغرافیای) انسانی طبیعی است؟ ب. به تماشا آوردن بوم انسانی طبیعی در معماری درونزا چگونه فرایندی است؟ پ. نقش تعیین کنندگی دلالت‌های اجتماعی فرهنگی در مقایسه با علل طبیعی، جغرافیایی و اقلیمی بوم چگونه است؟ به این منظور با روش‌های کیفی استدلال منطقی و امر پیشین و امر پسین و بهره از پیشینه‌ی موضوع، در ادبیات درونزایی و نیز معنی وجود، مفهوم درونزایی در معماری در نسبت با وجود انسان اندرکنش بوم (جغرافیا) انسانی طبیعی، استخراج می‌شود. در ادامه مفهوم درونزایی در معماری همانند مدلی برای نقد معماری در خانه‌های روستایی اورامان به کار بسته می‌شود. این پژوهش با روش استدلال منطقی بر اساس امر پسین منتج از امر پیشین؛ فرضیه را به آزمون می‌گیرد. مفهوم درونزایی در معماری با وام‌گیری از گیاه شناسی، اقتصاد و ادبیات آن در معماری به مثابه یک فرضیه در تعمیم و بسط نظریه‌ی پیشین است که در پی تبیین رابطه تنگاتنگ درون زایی با وجود انسان در بوم و تجلی آن در اثر معماری دارد. استدلال منطقی به ساختارهای منطقی با توان تبیینی بالا منجر می‌شود، این سامانه‌ها چگونگی فهم جهانی که در آن زندگی می‌کنیم را میسر می‌سازد (گروت و وانگ، ۱۳۸۶: ۳۳۴). سامانه‌ی استدلال منطقی یکپارچگی درونی دارد و مبین تعدادی محدود واژه می‌باشد (همان). سامانه‌های منطقی ساده و به ماهیت پدیده‌ها نزدیک ترند (همان، ۳۲۸). نکته مهم برای پژوهشگر منطقی به واسطه‌ی گستره‌ها و سامانه‌های فراگیرتر این است که با مقوله بندی و استدلال در چهارچوب سامانه یکپارچگی درونی و بیان دقیقی از واقعیت بیرونی را داشته باشد و اعتبار آن فراتر از اعتبار سنجی با روش‌های دیگر در انسجام استدلال قیاسی یا استدلال استقرایی است (همان، ۳۳۵).

مبانی نظری

مفهوم درونزایی

کلمه درونزا یک اصطلاح گیاه شناسی است و در واقع اندروژن گیاهی است که از طریق رشد بی قاعده بافتهای معمولی و آوندی جدید در درون بافت‌های موجود افزایش پیدا می‌کند و بدین ترتیب درونزایی؛ رشد و تولید از درون است که قابلیت انطباق با رشد اقتصادی را داراست، ارزش تولید با رشد و آموزش در سرمایه انسانی و مهارت نیروی کار وابسته و از درون کشورها میسر می‌گردد و توجه به تحقیقات جدید و آموزش و باروری استعدادها نیروی انسانی نسبت به جهانی شدن تکنولوژی و سرمایه گذاری و انباشت سرمایه فیزیکی، ترجیح دارد و در واقع به عوامل درون کشورها چون مزیت نسبی اقتصادی توأم با بهره وری نیروی انسانی مورد توجه است (Romer, 1994).

بر اساس این نظریه سرمایه گذاری در منابع انسانی، نوآوری و دانش اثر قابل توجه تری در رشد اقتصادی در نسبت با عوامل تکنولوژیک و فیزیکی دارد و در این مدل تحولات تکنولوژی کم رنگ و سرمایه انسانی جایگزین می شود (Ibid). توجه به تحقیقات و پژوهش های نوین توام با آموزش و ارتقا بهره وری نیروی انسانی در مقایسه با انباشت سرمایه نقش قابل توجه ای دارد (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۲). هر جا در اقتصاد با مدل درونزا بر توانایی ها و آموزش و شکوفایی نیروی انسانی توجه گردیده اثرات مثبت بر رشد واقعی مشهود است (الفتی و بابایی، ۱۳۸۱: ۱۶۹). مدل درونزایی در اقتصاد بر گرفته از معنی درونزا یا اندروژن گیاهی است، اندروژن گیاه در ارتباط با ساختمان ژنتیک سلول گیاهی منجر به زایش و تکثیر سلولی می شود که ساختمان ژنتیک سلولی واجد ویژگی ها و کدهای های ژنتیکی می باشد که حاصل و سازگار شده زمینه های محیط طبیعی و جغرافیایی (بوم) نیز می باشد و در این معنی درون گیاه و ساختمان ژنتیک درونی تمایل، فرمان و شرایط رشد از درون را پدید می آورد و همواره برای بقاء با محیط بیرون در تعامل و سازگاری مداوم است. مدل درونزا در اقتصاد بر محور و اصالت انسان و منابع انسانی با استعدادهای درونی توام با آموزش و منجر به شکوفایی می باشد و در تقابل با دیدگاه های اقتصادی ماقبل خود مبنی بر تجمع امکانات مادی، تکنولوژی، سرمایه های مادی و کالا محوری است. از این رو نگاه به درون و درونزایی در اقتصاد بر محور انسان و شکوفایی استعدادهای درونی اوست. غلامرضا اسلامی (۱۳۸۰) واژه توسعهی درونزا در معماری را با منشاء نظریه های اقتصاد در ادبیات معماری ایران مطرح کرد. توسعهی درونزا با خاستگاه اقتصاد در مقابل آن آراء اقتصادی است که رشد و توسعه را در گرو انباشت سرمایه و تجهیزات تکنولوژیک و امکانات مادی یا به اصطلاح کالا محور می داند که در قبال کالا محوری به انسان و مردم محوری و توجه به آموزش و تربیت و تجربه منابع انسانی بر اساس استعدادهای توانمندی های نسبی معتقد است (اسلامی، ۱۳۸۰: ۵۰). در مدل توسعه درونزا؛ روش جدایی تولید کننده و مصرف کننده و کالا محوری در روش های دوران مدرنیسم و بعد از آن جایش را به فرایندهای مردم محور، انسان محور و فرایند محور در آموزش و تربیت استعدادهای درونی افراد می دهد (اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). برخاستن به اتکاء شرایط موجود، توجه به پس خوراند سامانه، تمرکز بر الگوی توسعه افقی و قابلیت های موجود، زاینده گی، توجه به استعدادهای منحصر به فرد انسانی در رویکرد درونزا می تواند آموزش معماری را ساماندهی نماید (حسینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۶). از این رو کاربرد مفهوم درونزا در معماری در ادبیات معماری ایران با طرح غلامرضا اسلامی بر محور و اصالت مردم و انسان نسج می یابد. لیکن با گستره ی تعاریف و معانی متفاوت روانشناسانه، هستی شناسانه، اساطیری، دینی تا علمی از انسان؛ کدام معنی از انسان مقصود است. این پژوهش در پی یافتن ماهیت درون انسان که همان وجود است و چگونگی نقش وجود اندرکنش بوم انسانی طبیعی برای بودن با آفرینش و خلق معماری را جستجو می کند. جدول (۱).

جدول ۱. مقایسه استنباطی از معانی درونزایی در اقتصاد و معماری در پیشینه موضوع

درون زایی	اصالت	معنی درون	تقابل با:
مدل درونزایی در اقتصاد (اصالت انسان در مقابل اصالت کالا)	انسان محور، زایش از استعدادهای درونی منابع انسانی توام با آموزش فرایندها.	انسان، منابع انسانی	انباشت تکنولوژی، امکانات مادی و کالا، کالا محوری.
پیشینه پژوهش: درونزایی در معماری (اصالت مردم در مقابل محصول)	انسان و مردم، فرایند محور	انسان، فرایند، پس خوراند	کالا محوری، تولید و مصرف، پیش خوراند
فرضیه: درونزایی در معماری؛ وجود انسان اندرکنش بوم، فرایند زاینده گی (خلق) از اندرکنش وجود انسان در بستر بوم انسانی طبیعی و پدیدار در معماری	وجود انسان، وجود انسان اندرکنش بوم، فرایند زاینده گی (خلق) از اندرکنش وجود انسان در بستر بوم انسانی طبیعی و پدیدار در معماری	وجود انسان اندرکنش بستر بوم (جغرافیا) انسانی طبیعی؛ برای تجلی، وجود انسان در بوم لازم و ملزومند.	معماری کالاواره، معماری انسان اندرکنش بوم و به حضور آمدن در معماری

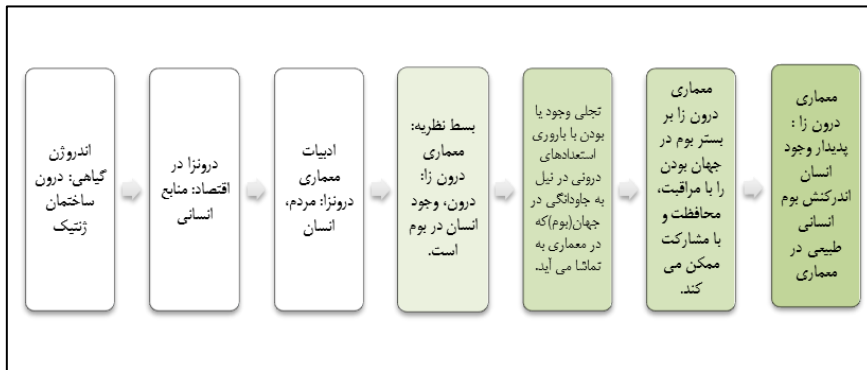
بسط نظریه‌ی درونزا در معماری

ماهیت انسان وجود است: در این مدل مفهوم، هدف از درون در اصالت و محوریت درونزا همانا انسان می‌باشد که شامل انسان در ارتباط با معماری، کاربر، طراح، سازنده، و انسان اندرکنش بوم و بستر اثر می‌شود که فراتر از تامین نیازهای فیزیکی، کمی و کارکردی اولیه در معماری و مراد وجوه ماهوی انسان و آنچه انسان را از حیوان و نبات متمایز کرده، می‌باشد. استنباط وجود و ماهیت انسان در گستره‌ای از منظر بینش کهن، ادیان، فلاسفه شرق یا غرب، در ادیان ابراهیمی و فلاسفه دین اسلام تا بینش مدرن متفاوت است، لیکن در آن وجه مشترکند که انسان واجد ابعادی چون وجود می‌دانند که متفاوت از تمام موجودات در جهان میل به تلاش برای کامل شدن دارد. وجود در انسان در فلسفه اسلامی مراتبی از وجود واجب الوجود یا خداوند است که در سیر تعالی و صیوریت در انسان ارتقاء می‌یابد، انسان به این جهت انسان است که با وجود جانور بودنش سخنگو است و متشکل از جسم و روح می‌باشد و روح و ماهیت انسان آن چیز حرکت دهنده جسم و آن وجود انسان است (فلاحت، ۱۳۹۵: ۳۱). ابن عربی ماهیت و وجود انسان را تجلی وجود خداوند می‌داند مشروط به تربیت نفس در تعالی و شکوفایی آن (همان، ۳۲). حقیقت عبارت است از انکشاف وجود (تقوایی، ۱۳۸۹: ۷۸). وجود دارای مراتبی است که منشاء در ذات واجب الوجود دارد (همان). آنچه هایدگر، بودن و وجود می‌داند لائوتسه تائو نامیده که ارجاع به حقیقت دارند (همان، ۸۱). در میان آراء متأخر فلسفه اصالت وجود توجه بنیادینی را به وجود انسان معطوف داشته است. فلسفه اصالت وجود مبتنی بر اصالت هستی‌شناسی وجود نسبت به هر نوع شناخت شناسی انسان می‌باشد که در گزاره‌ی من هستم پس می‌اندیشم به تقابل با فلسفه‌ی دوگانه‌ی دکارت پرداخت و از اندیشه‌های کی یرکگور (۱۸۱۳-۱۸۵۵م) آغاز و در قرن بیستم بیشتر با آراء مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶م) و موریس مرلوپونتی (۱۹۰۸-۱۹۶۱م) متأثر از پدیدارشناسی ادموند هورسل (۱۸۵۹-۱۹۳۸م) در جهان شناخته می‌شود، در این فلسفه فرد درک هويت و بودن خود در گیتی و امید به کشف معنای جهان و زندگی از راه تحقیق در راز وجود خویش معنا می‌یابد (Magee, 2016). هایدگر هستی‌شناسی وجود را مقدم بر شناخت شناسی می‌داند و معتقد است پیش از آنکه به شناخت چیزی وقوف یابیم در جهان پرتاب شده و هستیم و هستی بودن ما در جهان موجب درک ناخودآگاه ما از بودن ما در جهان با دیگران ممکن می‌شود و انسان تنها موجودی است که از بودن خود در جهان آگاهی دارد و تلاش او برای تجلی بودن در جهان با وصف پرتاب شدگی با ظهور وجود میسر است و ما خود وجودهایی هستیم که باید تحلیل شویم و وجود؛ و بودن در جهان با معنایی که به آن می‌دهیم ساخته می‌شود (Magee, 1978). تقدم وجود بر شناخت در معنی بودن در جهان و در جستجوی رمز بودن خویش در جهان و زندگی معنی دارد و آنچه در تداوم نیل به جاودانگی وجود انسان در گیتی است کشف ابعاد درونی انسان و تجلی آن می‌باشد که همان تجلی وجود است. تجلی وجود انسان، بودن و باشیدن وجود با در جهان بودن میسر است و وجود انسان حاصل اندرکنش وجود انسان در جهان و بوم است؛ آن جهانی که او در آن سکنی گزیده است. بنابراین در مفهوم بسط درون زایی در معماری نگاه و محوریت معنی در انسان معطوف می‌شود و مراد از انسان فراتر از ابعاد کمی و کارکردی بوده و مقصد ابعاد وجودی و وجود انسان در بستر اثر می‌باشد؛ زیرا وجود انسان برای تجلی و بودن در جهان، در اندرکنش بوم هست می‌یابد شکل (۱) و (۲).

وجود اندرکنش بوم (جغرافیای انسانی طبیعی) به معنی در جهان بودن

اکنون باید روی زمین ساختن را بی‌اغازد و این معنای باشیدن است، باشیدن و بودن ابراز وجود روی زمین مستقر بودن، کاشتن و ساختن است و اندیشه در ساختن و باشیدن به سوی معنای هستی است (نیچه و همکاران، ۱۳۷۷: ۵۸). معماری اصیل با انس گرفتن به مکان و پاسداری از مکان و مراقبت کردن از زیست جهان با معماری مراقبت میسر می‌شود و اما معماری مراقبت لزوماً معماری مشارکت است (شولتز، ۱۳۹۳: ۱۱۵). واژه‌ی "زیست جهان" منشاء در ادبیات پدیدارشناسی ادوموند هورسل دارد که پس از آن در اندیشه هایدگر و دیگران وارد شد. افراد در مواجهه با اشیاء، پدیده‌ها و تجارب فعالیت هایشان سخن می‌گویند و این معنی اش تفسیر تجربه‌های آگاهانه مربوط به فعالیت است، تجربه ریاضیات با ماهیت عدد و برهان و تجربه‌ی آگاهانه ذی مدخل در انجام دادن آن فعالیت، پدیدارشناسی آن است و نه تنها برای اشیاء مادی برای هنر، علوم و جامعه و اندیشه هایمان پدیدارشناسی را در تجربه اندرکنش با پدیده‌ها در جهان ممکن می‌سازیم و آن زیست جهان است (Magee, 2016). نوربرگ شولتز متاثر از پدیدارشناسی هایدگر، معماری معتبر را ابعادی از مکان و روح مکان می‌داند که منجر به باشیدن انسان در جهان شود و باشیدن با معنی هستی‌شناسی حفاظت، مراقبت و مشارکت از خود، دیگری و جهان است (شولتز، ۱۳۸۱). از این رو بودن انسان در جهان، در بوم خود تجلی می‌یابد و انسان برای بودن و باشیدن خود و تداوم وجود با کشف راز درون خود و تجلی آن در جهان الزاماً به جا و جهان یا بوم ملازم است و اندرکنش متقابل وجود انسان در بوم انسانی و طبیعی موجب بودن و باشیدن انسان در جهان است و این اندرکنش انسان در بوم در تکوین وجود ممکن نمی‌گردد مگر با محافظت و مراقبت از جهان و بوم که زمینه تداوم وجود فراهم گردد و البته مراقبت و محافظت از زمین، از خود، دیگری، آسمانیان و آسمان با مشارکت میسر است. از نظر هایدگر وجود و باشیدن به معنای نحوه‌ی بودن ما آدمیان روی زمین است که هستی او در حفاظت، مراقبت و پرورش زمین با مشارکت برای تجلی وجود است و انسان پرتاب شده به گیتی برای تجلی وجود با بودن و باشیدن در جهان نیل به جاودانگی می‌کند و این مفهوم را هایدگر دازاین می‌نامد. هایدگر بجای استفاده از عناوین سنتی و رایج تو دستی که همراه با بار معنایی پیش فرض شده‌ای است، انسان در جهان را دازاین (Dasein) در نسبت با وجود خواند و به معنای آنجا بودن می‌داند و تجلی وجود انسان در جا و جهان ظهور می‌کند و برای بودن و باشیدن وجود جا و انسان را لازم و ملزوم یکدیگر می‌داند و رابطه وجود و جهان یک رابطه دو طرفه است و وجود یا existence به معنی خارج ایستادن است و یعنی انسان تنها موجودی است که از بودن خود در جا و جهان آگاهی دارد (صافیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۴). تحلیل وجود انسان و تجلی آن در جایی، معنی دازاین است و آنجا در جهان و با خود و دیگران سرشار از معنا توصیف می‌شود (همان، ۱۲۴). وجود به معنی بودن در جا، و در جهان به معنی مکان است که مکان اساس فلسفه وجود او را نیز تشکیل می‌دهد؛ مکان و وجود آنچنان در هم پیچیده اند که یک سو مکان در وجود و از سوی دیگر وجود در مکان ظهور و تجلی می‌یابد (Malpas, 2008, 11). از این رو دازاین برای بودن و باشیدن به معنی تجلی وجود در جهان و با دوستی و انس گرفتن با زیست جهان در جهت حفاظت و مراقبت از خود، دیگری، آسمان و آسمانیان و جهان معنی می‌یابد. سکنی گزیدن با حفاظت و مراقبت از آسمان، زمین، زمینیان و آسمانیان (خدایگان) تفسیر می‌شود (Heidegger, 1997). بنابراین در مفهوم معماری درونزا وجود انسان بدون محمل و بستر تجلی، ممکن نمی‌

گردد که همانا محمل تجلی در جهان یا همان بوم انسانی طبیعی است که در معماری به تماشا می‌آید، که برای تداوم، بقاء و جاودانگی این اندرکنش انسان در جهان و بوم به معنی بودن مستلزم محافظت و مراقبت از آن جهان یا بوم است. بطور خلاصه این استدلال در شکل (۱) آمده است.



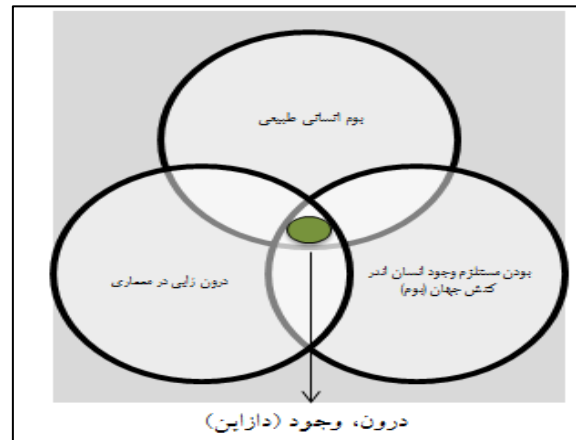
شکل ۱. گام‌های استدلال منطقی مفهوم درونزایی در معماری به معنی پدیدار وجود انسان اندرکنش بوم که در معماری به محضر می‌آید

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

بوم (جغرافیای) انسانی طبیعی

بوم‌شناسی انسانی طبیعی (Ecology) یا علم بوم‌شناسی بر زیست‌بوم به عنوان واحدی از تحلیل استوار است و ادعای این علم ترویج دیدگاهی کل‌نگر سامانه‌ای و فهم رابطه‌ی پویای موجودات زنده از شکل اولیه تا پیچیده‌ترین شکل محیط طبیعی، انسان-ساخت است، در این میان دو دیدگاه کلی بوم‌شناسی یکی با نظر کلی نسبت به رابطه‌ی انسان و محیط طبیعی و دیگری توجه گسترده‌تر نسبت به محیط طبیعی و جامعه و اجتماع انسانی آن محیط و روابط رفتاری متقابل آن‌ها شکل گرفته است (عینی فر در لنگ، ۱۳۸۶). مفهوم زیست‌بوم انسانی طبیعی متأثر از علم بوم‌شناسی طبیعی انسانی، یعنی شناخت و فهم رابطه‌ی متقابل انسان و محیط‌های طبیعی آن بوم و نیز گستره‌ی فرهنگ اجتماع انسانی درون آن بوم اتلاق می‌شود و غایت اهداف بوم‌شناسی کامل درک، فهم، حفاظت و مراقبت و ارتقاء محیط‌های طبیعی با فرهنگ اجتماع انسانی آن بطور محلی است و نظریه‌ی توسعه در آن با اصل حفظ بوم محلی در عین محدودیت‌ها و قابلیت‌ها مد نظر است، این معنی از آنجا واجد اهمیت دو چندان می‌گردد که قابلیت‌های محیط طبیعی و انسانی بوم تعیین‌کننده جریان توسعه انسان ساخت یا فرهنگی می‌باشد (همان). **درون بوم انسانی:** درون بوم انسانی تمام دلالت‌های فرهنگی اجتماعی بستر معماری که وجود انسان در اندرکنش با آن دلالت‌ها امکان تجلی یافته است که نقش تعیین‌کننده و محوری در معماری دارند و آمال آن مراقبت و محافظت از خود، دیگری، زمینیان و آسمانیان است که در معماری به تماشا می‌آید. **درون بوم طبیعی:** درون زیست‌بوم طبیعی به معنی الطافات و توجه به ویژگی‌های درون تمام ابعاد طبیعت، اکوسیستم و اکولوژی آن محیط است که با ملاحظات محیطی و سازگاری با اقلیم و طبیعت که کمترین تاثیرات مخرب در طراحی، فرآوری مصالح، حداقل انرژی در ساخت و احداث و بهره‌برداری را بر محیط طبیعی منطقه و به تبع جهان را تحمیل سازد. زیست‌بوم طبیعی شامل تمام ساختارها و علل طبیعی، جغرافیایی و اقلیمی بوم است که معماری را متأثر می‌سازد و نیل به محافظت و مراقبت جهان دارد. در نظریه‌ی جبر گرایی شکل‌گیری چیزها را در نتیجه جبر جغرافیایی می‌دانند لیکن مطالعات مردم‌نگارانه راپاپورت (۱۹۶۹م) دلالت‌های اجتماعی فرهنگی عامل اصلی شکل‌گیری معماری بومی و عوامل جغرافیایی را تغییر دهنده آن دانسته است. (Rapoport, 1969). هر چند جغرافیا و پدیده‌های طبیعی در فرایند کارکردی و طبیعی قرار می‌گیرند

لیکن در گذر از درون هر فرهنگی به پاسخ‌های لزوماً هم شکل نخواهند رسید بلکه به شیوه‌ی فرهنگی خود به علیت طبیعی پاسخ می‌دهند (پیرخضری و فلاح، ۱۳۹۶). شکل (۲).



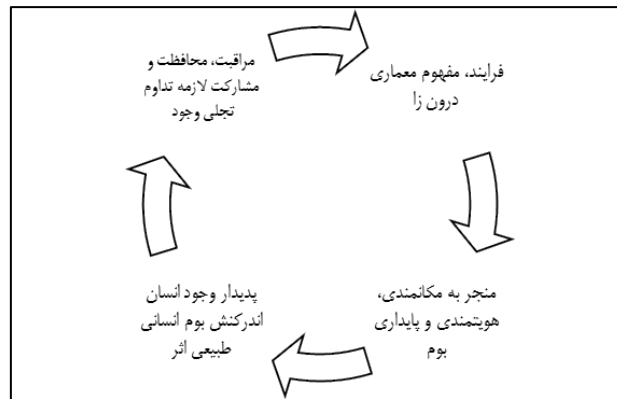
شکل ۲. مدلی برای مفهوم درونزایی در معماری که به معنی وجود انسان در کنش با بوم است که در معماری به حضور می‌رسد.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

یافته‌های پژوهش

در جهان بودن و تجلی وجود در معماری درونزا

به اتکال استدلال منطقی و بسط مفهوم درونزا در ادبیات پژوهش؛ درونزا در معماری به مفهوم اصالت انسان و وجود انسان است، وجود انسان به معنی بودن و باشیدن او در جهان است و محمل، بودن و باشیدن برای تجلی وجود با در جهان (بوم) بودن ممکن است. در جهان (بوم)، بودن در معماری معتبر میسر است و آن معماری حاصل بودن وجود در جهان است یعنی بودن وجود در جهان با جا، بوم و معماری لازم و ملزومند. معماری معتبر چیزی را که طبیعت و محیط کم دارد اضافه می‌کند چنانچه واحه‌ای در بیابان خلق می‌شود (شولتز، ۱۳۹۳: ۱۱۲). معماری معتبر حاصل رویدادگی و به محضر آمدن جهانی از وجود انسان اندرکنش بوم انسانی طبیعی است، و فهم در جهان بودن و باشیدن در معماری با محافظت و مراقبت از جهان میسر می‌شود. معماری درونزا با محوریت وجود انسان در جا و مکان، فرایند، مفهومی است که جهانی از وجود انسان اندرکنش بوم را به محضر می‌آورد و بودن وجود در جهان را ممکن می‌کند. یعنی معماری درونزا فرایند، مفهومی پدیدارشناسانه است که جهانی از بوم انسانی طبیعی بستر اثر را در معماری به تماشا یا محضر می‌آورد و به فهم بقاء وجود در بوم بر می‌گردد تا تداوم تجلی وجود همواره مهیا شود شکل (۲) و (۳). بنابراین: الف. معماری درونزا معطوف به انسان و اصالت وجود انسان است. ب. وجود انسان در جا و جهان یا بوم انسانی طبیعی چنان لازم و ملزوم یکدیگرند. پ. جهان (بوم) چنان محملی برای امکان تجلی و تداوم بودن وجود است. ت. وجود در جهان و بوم با محافظت، مراقبت و مشارکت ممکن است. ث. معماری درونزا فرایند مفهومی است پدیدارشناسانه که جهانی از وجود انسان اندرکنش بوم انسانی طبیعی بستر اثر را در معماری به محضر می‌آورد و توأم با محافظت، مراقبت و البته با مشارکت میسر است. ج. حصول به وجوه معماری درونزا با پدیدارشناسی وجود انسان اندرکنش بوم انسانی طبیعی بستر برای جاودانگی فراهم می‌شود که در معماری به محضر می‌آید.



شکل ۳. بودن در جهان با پدیدار وجود انسان اندرکنش بوم انسانی طبیعی در معماری

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

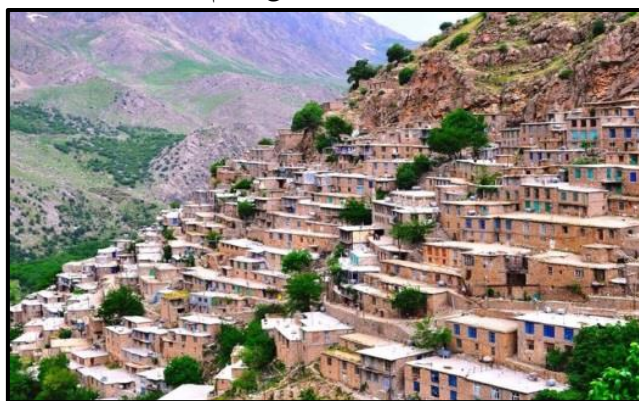
محدوده مورد مطالعه

درونزایی در خانه های اورامان

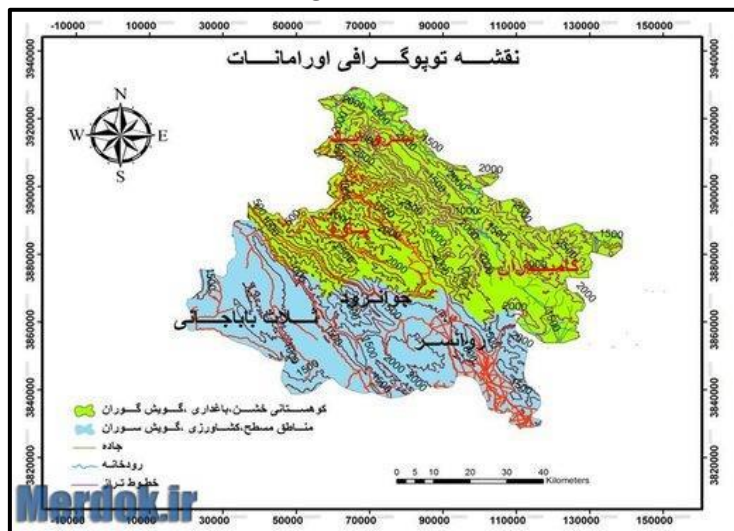
معماری بومی در گستره کوهستانی زاگرس شمالی تا میانی در غرب، شمال غرب ایران در پهنه‌ی دامنه‌های کوهستانی از جمله روستاهای اورامان(هورامان) با شباهت‌های زیادی در طول سالیان متمادی در تلفیق فرهنگ با طبیعت شکل گرفته است. معماری خانه اورامان تجسمی از موسیقی، شعر و آواها حاصل وجود انسان اندرکنش آن بوم انسانی طبیعی در گستره‌ی زمان می‌باشد که اکنون در بافت‌های روستایی ایران مداخلات تک بعدی بوده و توجه به ابعاد وجودی و ماهیتی حفظ و بازسازی بافتها و الگوهای واحدهای مسکونی با نگاه هویتی برآمده از بوم انسانی طبیعی نبوده و موجبات از میان رفتن الگوهای فرهنگی ارزشمند و باعث لطمات فرهنگی، زیست محیطی و ناپایداری بوم شده است. بنابراین پژوهش اخیر می‌تواند دید راهبردی و ماهیتی به دست اندرکاران بدهد. اورامان یا هورامان به مناطقی از غرب ایران تا مناطقی از کشور عراق در کوهستانهای زاگرس شمالی در استان‌های کرمانشاه، کردستان و شمال شرقی عراق اطلاق می‌شود که معماری بومی سکونت گاه‌های روستایی آن به شکل توده وار، به هم پیوسته و درهم تنیده با فرم پلکانی در دامنه کوه مشرف به رودخانه و باغات پایدار شده است شکل (۴)، (۵) و نقشه (۱). معماری بومی حکایت از فرهنگ توده‌ی مردم و مرتبط با زندگی روزمره و آرمان‌های انسانی و شیوه مواجهه با طبیعت بوده است، سازندگان بناهای بومی فقط مصرف کننده نبوده اند بلکه در همبستگی با سنت و فرهنگ توده‌ی مردم بخش عظیمی از محیط را شکل داده اند (Rapoport, 1969). مسکن بومی با وضوح بیشتری پیوند و ارتباط میان شکل مصنوع و شیوه‌ی زندگی و فرهنگ را نشان می‌دهد (Ibid). شاید در اولین برخورد با معماری کوهستان، چیزی که به ذهن میرسد، ساخت فضای حداقل برای یک زندگی ساده باشد؛ اما در کنکاشهای عمیق، وجود یک هوش جمعی کارآمد و زیبا، در پس کالبد معماری، مشهود است؛ آنچنان که هر امری از چندین زاویه بررسی شده و مناسبترین گزینه اجرا می‌شود (معماریان و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۶).



شکل ۴. الگوی پلان خانه‌های روستاهای اورامان. منبع: (سالم محمد و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۲).



شکل ۵. سیمایی از توده خانه‌های روستایی اورامان منبع: <https://www.isna.ir/news/>



نقشه ۱. موقعیت منطقه هورامان

منبع: <http://merdok.ir>

خلق درونزایی در معماری برآمده از فرایند پدیدارشناسانه، جهانی از بوم انسانی طبیعی بستر را در معماری به تماشا آوردن است و به تبع آن درونزایی به مثابه مدل نقد همچنان پدیدارشناسانه خواهد بود. از این رو فرایند حصول به وجوه معماری درونزا در خانه‌ی روستایی اورامان به اتکال روش‌های کیفی پدیدارشناسی نشانه‌شناسی دلالت‌های برخاسته از وجود انسان در بوم انسانی طبیعی در دال‌های خانه‌ها جستجو می‌شود و مدل‌های برآمده از بوم انسانی

آن تفسیر و در ارتباط با علل جغرافیایی اقلیمی قیاس می‌گردد. جدول (۲). پژوهش کیفی ماهیتی چند روشی است که رویکردی تفسیری و طبیعت‌گرا در مقابل رویکردهای پوزیتویسم دارد و با مطالعه پدیده‌ها در شرایط طبیعی خود با گردآوری داده‌های تجربی آگاهانه بر تفسیر پدیده‌ها با منشاء پدیدارشناسی عمل می‌کند (گروت و وانگ، ۱۳۸۶: ۱۷۶). نشانه‌شناسی ساختارگرا رابطه مستقیم بین دال و مدلول قایلند ولی نشانه‌شناسان پس‌ساختارگرا رابطه آن دو را غیر مستقیم و آنرا در مدلول‌های ضمنی مسایل اجتماعی و زمینه‌ای می‌جویند (دباغ و دیگران، ۱۳۹۰). پدیدارشناسی در تقابل با نگاه علم زده اثبات‌گرایی و دکارتی با اندرکنش ذهن در عین و روآوردنگی به پدیده‌ها با آگاهی معطوف به چیزها آنرا آشکار و به حضور می‌آورد (موسوی و دیگران، ۱۳۹۸). هیچ روش قطعی از تحقیقات پدیدارشناسی وجود ندارد و از میان انواع مطرح، یکی تجربه‌ی زیسته‌ی، فرد یا جامعه است (پرتوی، ۱۳۸۷).

دلالت‌های بوم (جغرافیای) انسانی در قیاس با علل طبیعی

۱. پیوستگی و درهم‌تنیدگی توده وار خانه‌ها

بارزترین شکل توده‌خانه‌های کوهپایه‌ای در اورامان درهم‌تنیدگی و پیوستگی توده وار خانه‌ها است که دلالت بنیادینی است بر معنی وجود انسان‌ها در مشارکت جمعی در شیوه معیشت باغداری و تقسیم آب و نیز توده‌ی خانه‌ها مریدوار در پی مراد طریقت به هم پیوسته شده‌اند و به این مفهوم که وجود انسان‌ها در مشارکت جمعی امکان مدیریت و استفاده از محیط طبیعت و بوم را برای بقاء نیل به بودن میسر می‌داشته است؛ هر چند علل طبیعی بوم چون شیب تند کوهپایه، کمبود زمین و کاهش تلفات حرارتی دلایل اولیه شکل‌گیری می‌باشد اما مدلول‌های بوم انسانی تعیین‌کننده‌ی نهایی معماری درونزا است.

۲. همسو نگری خانه‌ها به باغ و رود

سازمان منظر هم سو نگر و هم جهت ایوان و بازشو و جهت توده‌ی خانه‌ها به سمت باغات، دره و رودخانه دلالت نگرستن به جهت مراقبت تمام عیار و مداوم باغ و رود دارد و نیز نشان از چرخش هرمنوتیکی توده‌خانه‌ها در نگرستن باغات چنان پیروی از پیر طریقت را دارد، هر چند علل طبیعی استفاده‌ی حداکثر از تابش آفتاب برای گرمایش زمستانه و فرار از تیغ آفتاب جهت غرب در تابستان علل اولیه هم سو نگری است لیکن مدلول‌های بوم انسانی تعیین‌کننده‌ی شکل است. لذا تداوم وجود انسان در بوم در گرو نگرستن مداوم، مراقبت و محافظت بوم می‌باشد.

۳. سازمان خانه، اتاق و ایوان، تکیه بر کوه و ناظر باغ و رود

سازمان اتاق و ایوان تکیه داده بر کوه و ناظر باغ و دره در تمام توده‌ی خانه‌ها نشان از مدلول اجتماعی فرهنگی بوم در ایوان و بام به مثابه نظرگاه برای نگرستن به جهت مراقبت باغ و دره، دیدن تجمع اجتماعی در تشریک مساعی و مشارکت امور باغداری، مراسمات اسطوره‌ای، رقص جمعی و فرآوری محصول باغات است.

۴. حیاط یکی بام دیگری و معبر همه

جایگاه و نقش بام خانه‌ها به عنوان معبر عمومی، حیاط خانه بالایی و محل تعاملات اجتماعی، سبب شده تا پدیده‌های نادر در معماری این خطه ظهور کند، الگوی «بام حیاط معبر»، پذیرفتن نقشی مهمتر مانند حیاط و معبر توسط سقف یک خانه است (کدخدا محمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۳۰). از ویژگی‌های این معماری علاقه به طبیعت،

کاشت گسترده درختان میوه و قرارگیری برشیب بادید به طبیعت و سایر بناهاست و نیاز ساکنان به فضاهای جمعی برای گفتگو و استراحت و کارهای روزانه، فضاهای نیمه باز را به عنوان فضاهای جمعی برگزیده است، فضاهایی که به دلیل همخوانی سکونتگاهها با شیب و پله ای بودن دید گسترده ای دارند (سالم دانا و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۵). حیاط یکی بام دیگری و معبر همه نشان از محوریت و اهمیت جایگاه فضاهای باز و نیمه باز در اجتماع پذیری به جهت تجمع برای مشارکت و گفتگو در باغداری و تقسیم آب و مناظره‌ی مداوم برای مراقبت از باغ، دره و بوم و نیز محافظت و انجام و نظاره مراسمات اسطوره‌ای و رقص جمعی و محملی برای فرآوری محصول دارد؛ هر چند علل طبیعی کمبود زمین مسطح و شیب تند الزام هندسی است که هر بامی را حیاط دیگری می‌کند. اما با امکان طرح اندازی روش‌های دیگر، تنها با انتخاب فرهنگی و تداوم این الگو در طول زمان؛ بودن وجود انسان را در بوم را تجلی و تضمین می‌کند.

۵. نشر الگوی سازمان بام-حیاط- معبر

توجه ویژه به الگوی «بام حیاط معبر» برای افزایش حضورپذیری فضا، ایجاد و بازتولید فضاهای عمومی اجتماع پذیر به عنوان محل رخداد تعاملات اجتماعی، حفظ ارتباط بصری مناسب با محیط طبیعی، عناصر طبیعی و چشم اندازهای طبیعی و توجه به ادراک مستقیم رویدادهای طبیعی در فضای فعالیت و زندگی (حمه جانی، ۱۳۹۶: ۶۰). بام-حیاط-معبر باز تا نیمه باز بر اصالت، محوریت و اهمیت نگرستن جهت مراقبت و محافظت مداوم از باغ، دره و بوم و اجتماع پذیری تجمعات آیینی اسطوره ای، رقص جمعی و مشارکت جمعی در باغداری و فرآوری محصول باغ دلالت دارد که امکان تداوم تجلی وجود با تکرار این الگو در مراقبت، محافظت و مشارکت میسر می‌شود.

۶. پنجره‌ی کوچک: با وجود گستره بام-حیاط-معبرها و نفوذ پذیری بصری، شنیداری و فیزیکی در همه ابعاد با مراد مراقبت و محافظت مداوم از بوم و درخت است از این رو به اتکال بازشو کوچک امکان رسیدن به ابعادی از محرمیت و خلوت ممکن می‌شود ولو اینکه علل طبیعی کاهش تلفات حرارتی از علل اولیه طبیعی موضوع است.

۷. دیوار خشکه چین از سنگ و کلاف چوب

در آمال مراقبت و باروری باغات برای شنیدن بو و صدای باد و باران و همسایه و لمس نسبی سرما و گرما و حس روشنایی نور؛ خشکه چین و فقدان ملات دلالت فرهنگی و معیشتی و اسطوره‌ای دارد تا جهانی از سنگ، چوب، بوی فصول، سرما، گرما، صدای باد و طلیعه نور در بوم را در بنا به تماشا بیاورد.

۸. تکیه خانه بر کوه

الگوی تکیه خانه بر کوه دلالت بر تکیه بر مادر زمین در محافظت از خود در نگرستن و مراقبه از بوم دارد گرچه جبر جغرافیایی و گرمایش زمین و عدم تبادل حرارتی را به همراه دارد. فضای بسته اتاق: فضای محصور و بسته‌ی اتاق برخلاف گستره‌ی فضاهای بام و ایوان و نیم باز و باز فراوان که برای تشریک مساعی جمعی اجتماعی است برای تمرکز در مراقبه، هدایت دید و حواس از بیرون متنوع طبیعت به خود و داخل دلالت دارد.

۹. فضای گشوده و باز ایوان و بام-حیاط-معبر: فضای گشوده و باز ایوان و بام-حیاط-معبر نشان از گشودگی به اجتماع، برای تشریک مساعی جمعی اجتماعی و گفتگو و تعامل در نحوه معیشت و مراسم اسطوره‌ای دارد. از این رو وجود و بودن انسان اندرکنش بوم (جغرافیای) انسانی طبیعی در معماری خانه اورامان به حضور آمده است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

مفهوم درونزایی با وام‌گیری از گیاه‌شناسی و اقتصاد و بسط نظری در پیشینه ادبیات مرتبط با معماری، نگاه به درون و انسان دارد لیکن بن‌مایه‌ی بنیادین تمایز و ماهیت انسان، وجود است. انسان تنها موجودی است که آگاهی دارد در جهان هست و در پی کشف معنای وجود خود در جهان در نیل به جاودانگی است و وجود (درون) با در جهان (بوم) بودن تجلی می‌یابد چنانچه در جهان (بوم) بودن، تنها در صورتی فرصت تجلی و باروری استعداد درونی انسان را برای بودن و جاودانگی می‌دهد که با مراقبت، محافظت و با مشارکت همراه باشد. بدین معنا زایش و آفرینش از درون معماری به وجود انسان اندرکنش بوم انسانی طبیعی بستر اثر اتلاق می‌شود و مفهوم درونزایی از وجود انسان اندرکنش بوم بستر معماری حاصل می‌آید و آن بوم شامل تمام ابعاد انسانی (ساختارهای اجتماعی فرهنگی) و طبیعی بوم (ساختارهای طبیعی جغرافیایی) می‌باشد که در معماری به محضر می‌آید. تبیین مفهوم درون به وجود ارجاع دارد و باروری استعدادهای درونی در بوم همان تجلی وجود و معنای بودن و باشیدن یا سکونت گزیدن در جهان است. ویژگی اصلی سکونت‌گزیدن، محافظت کردن و مراقبت کردن است، چنانکه چیزی مطابق با استعداد درونی بالقوه خود به ثمر رسد (طهوری، ۱۳۹۶: ۸۸). ویژگی‌های ذاتی معماری امری درونی، ذاتی و پویا است که آنرا هویت می‌نامند (تقوایی، ۱۳۹۱: ۶۵). ذات، جوهر و درون را که شوق، سیلانیت و دگرگونی آن در اعراض نیز هست و میل به غایت ذات دارد (دینانی، ۱۳۸۰: ۵۹۱). هویت در اساس فلسفی به بحث بنیادین وجود مرتبط است (فلاح، ۱۳۹۵: ۱۲۶). از این رو معانی درون، وجود و ذات یا هویت مترادف تبیین می‌شود. «درون را بگو که بهشت در درون توست» (ابن عربی نقل از اردلان و بختیار، ۱۳۹۰). و چنانچه شاعر می‌گوید: آب کم جو تشنگی آور بدست تا بجوشد آب از بالا و پست (مولوی، ۱۳۹۶). یگانه چیزی که وضعیت تو را ممکن است بهتر کند توجه به درون است (وینکشتاین نقل از حسینی، ۱۳۸۹). به عبارتی مراد سخن از درون معماری؛ همان وجود انسان اندرکنش بوم کامل بستر اثر است که در معنای بودن و باشیدن و تداوم جاودانگی در جهان و بوم تجلی وجود را در معماری به تماشا می‌آورد و این به محضر آمدن وجود انسان اندرکنش بوم به معنای پدیدارشناسی و اندرکنشی ذهن در عین بوم کامل است که فرصت تجلی با مراقبت و محافظت ممکن می‌شود. پدیدار وجود انسان اندرکنش بوم انسانی طبیعی برای جاودانگی تجلی و به حضور آمدن در معماری لازم و ملزوم یکدیگرند و به آن معماری ایی که بوم را کامل می‌کند و در پی سلطه بر بوم نیست اطلاق می‌شود. یعنی انسان به منظور کشف راز وجود خود از لایزال درون و رویدادگی منحصر خویش برای تجلی در جهان مستلزم در جهان یا بوم بودن است و وجود و ماهیت انسان در بودن در جهان (بوم) تکوین می‌شود. از این رو وجود برای بقاء و تداوم بودن و تجلی در جهان الزاما با حفاظت و مراقبت از زمین (بوم)، زمینیان، آسمان و آسمانیان و با مشارکت ممکن می‌گردد. بوم کامل بوم انسانی طبیعی بستر اثر است که شامل ساختارهای فرهنگی اجتماعی به مثابه بوم انسانی و ساختارهای اقلیمی جغرافیایی به مثابه بوم طبیعی است که بر خلاف دیدگاه جبرگرایی؛ ساختارهای طبیعی علل اولیه هستند که ساختارهای فرهنگی اجتماعی در بوم انسانی تعیین کننده غایی معماری درونزا می‌باشند (جدول ۲).

جدول ۲. نتایج پدیدارشناسی وجوه درونزایی حاصل وجود در بوم انسانی طبیعی و به حضور در آمدن در معماری اورامان.

معماری بنا	نشانه (دال)	مدلول ساختارهای اجتماعی فرهنگی (بوم انسانی)	شرح دلالت فرهنگی اجتماعی	علل کارکردی، طبیعی، جغرافیایی و اقلیمی (بوم طبیعی)
همسایگی، پیوستگی و درهم تنیدگی توده	*شیوه معیشت اجتماعی جمعی باغداری و تقسیم آب.	تشریک مساعی در تقسیم آب و مسیر	جبر شیب تند در کمبود زمین.	

ساختار استقرار (الگو)	وا خانه ها.	دسترسی در باغات و همیاری در داشت و برداشت و مراقبت باغات و فرآوری محصول	- کاهش تلفات حرارتی یا برودتی. - مخزن سرمایش ایستا در تابستان.
ساختار استقرار، انگاره بنا، (الگو)	جهت گیری خانه با اتاق و ایوان و بازو به باغات، رود و آفتاب؛ سازمان منظر و همسو نگری	* همه خانه ها توده شده و مریدوار در پی مراد و پیر طریقت.	فرهنگ و اعتقاد مشرب بوم، طریقت و مراد و مریدی چنان مراسم موسوم به پیرشالیار
انگاره و شاکله بنا، (الگو)	سازمان خانه اتاق و ایوان تکیه بر کوه ناظر باغ و رود (دیوان) و بر ایوان یا دیوان و بریان).	* نگرستن دایم برای مراقبت باغات. * ایوان نظرگاه برای مشارکت و تجمع اجتماعی، مراسمات اعتقادی اسطوره ای، رقص جمعی، فرآوری محصول باغ.	سازمان معیشتی در بوم باغداری در کمبود زمین مسطح است و دیدن مداوم باغات توام با مراقبت و محافظت از آن. توده در هم تنیده خانه ها جملگی به سمت باغ و آفتاب به مثابه پیر طریقت جهت گیری و یک سو نگری دارند.
ارتباط فضای نیم باز، باز و بسته، (الگو)	حیاط یکی بام دیگری و معبر همه، حیاط - بام - معبر	* محل تجمع و گفتگو برای مشارکت جمعی در داشت برداشت مراقبت باغات و تقسیم آب، انجام و نظاره مراسمات شیوخ، رقص جمعی، فرآوری محصول باغ.	- کمبود زمین مسطح و شیب تند در الزام هندسی هر بامی را حیاط دیگری می کند.
رنگ	پنجره آبی	* دیدن آسمان آبی در تما و آرزوی آفتاب و تغییر فصول مرتبط با باغداری.	- احاطه زاویه دید چشم با کوه و صخره و در آرزوی بالا رفتن و دیدن آسمان و افق.
فرم (شکل)، (الگو).	فرم مکعب مستطیل ساده	* الگو متداوم فرهنگی در ساده ترین نظم هندسی در همسازی با طبیعت.	- سادگی نظم هندسی در میان نظم غیر هندسی اندام وار - کاهش سطح خارجی نسبت به حجم برای حداقل تبادل حرارت و برودت
انگاره (ایده)، (الگو).	فراوانی سازمان بام - حیاط - معبر	* مشارکت عمومی، گفتگوی جمعی در داشت برداشت و مراقبت باغ، راه و فرآوری محصول باغ، * به نظاره باغ و مراسمات اسطوره ای، اعتقادی و رقص جمعی آمدن، * اصالت یکی شدن و مشارکت جمعی در شیوه معیشت و اعتقاد و اسطوره مبنی بر ما بودن. * مفهومی متفاوت از اشرفیت و محرمیت. * گستراندن تراس بام حیاط ها برای تعامل و گفتگو و مشارکت اجتماعی، اسطوره ای و فراوری محصول	- کم رنگی مالکیت و غلبه مشاعات مشترکات تابع همسانش در باغات. - به ظاهر کم رنگی محرمیت لیکن تغییر شکل محرمیت با حفظ محتوای اصالت حریم انسان ها.
بازشو	پنجره و بازشو کوچک	* به واسطه ماهیت اشتراکی فضای بام - حیاط - معبر و در میانه زندگی تجمعی و مشارکتی در مراسمات جمعی اسطوره های اعتقادی، برای رسیدن به ابعادی از محرمیت و خلوت	- حداقل تلفات حرارتی در گرمایش خانه.
سازه، مصالح و مواد، (الگو)	دیوار خشکه چین از سنگ و کلاف چوب	* درآمال مراقبت و باروری باغات برای شنیدن بو و صدای باد و باران و همسایه و لمس نسبی سرما و گرما و حس روشنایی نور؛ خشکه چین و فقدان ملات دلالت فرهنگی و معیشتی و اسطوره ای دارد.	- کمبود خاک برای ملات در کوهستان و رجحان استفاده خاک در باغ بجای خانه. - در مقابل لرزه و لغزش زمین در شیب انعطاف پذیر است.
ساختار استقرار، (الگو)	تکیه خانه بر کوه	* تکیه بر کوه با تبار اطمینان از عدم حمله حیوانات، در امان ماندن از شلاق باد و برف، کنترل محیط و در اطمینان به نظاره و مراقبه باغ نشستن	- گرمایش زمین و کوه و عدم تبادل حرارتی در زمستان. - سرمایش زمین در تابستان.
فضای داخل بنا (بسته و نیم بسته)، (الگو).	فضای محصور و بسته اتاق	* تمرکز در مراقبه محیط، هدایت دید و حواس از بیرون متنوع طبیعت به خود و داخل	- محافظت از سرما و باد و بوران کوهستان
			جمعی اجتماعی، برای تمرکز حواس و

فضای بیرون خانه	# فضای گشوده و باز ایوان و	# گشودگی به اجتماع، برای تشریک مساعی جمعی	فکر.
(باز و نیم باز)،	بام-حیاط-معبر	اجتماعی و گفتگو و تعامل در نحوه معیشت و مراسم	-
(الگو).		اسطوره ای	-

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

از این رو به واسطه آزمون فرضیه‌ی استدلال منطقی مستدل از مفاهیم درون، وجود انسان و هستن و بودن وجود در گرو در جهان و بوم بودن به جهت امتداد فرصت تجلی وجود انسان در جهان که با مراقبت و محافظت و البته با مشارکت ممکن می‌گردد. مفهوم نظریه درونزایی به وجود انسان اندر کنش بوم و تجلی در معماری بسط داده شد و نتایج نشان می‌دهد درونزایی در معماری برآمدن وجود انسان اندرکنش بوم (جغرافیا) انسانی طبیعی بستر برای تداوم تجلی بودن و باشیدن است که در معماری پدیدار می‌آید؛ یعنی درون زایی در معماری فرایند، مفهومی پدیدار شناسانه است که وجود انسان اندرکنش بوم را با تمام ابعاد بودن و باشیدن و تداوم جاودانگی را در معماری به تماشا می‌آورد و این تجلی وجود انسان اندر کنش بوم در معماری با سازگاری و عدم تحمیل و سلطه با مراقبت، محافظت از خود دیگری، بوم، جهان، زمین، زمینیان و آسمان و آسمانیان که همان معنای بوم انسانی و طبیعی است، میسر می‌شود. چنان چه دال‌های خانه‌ی روستایی اورامان چنان مصداقی، دلالت بر بودن وجود در اندرکنش بوم دارند که با مراقبت، محافظت و مشارکت تداوم می‌یابد و در معماری خانه اورامان به محضر می‌آید. مفهوم درونزایی در معماری فرایند و مدل خلق معماری و همچنین مدل نقد می‌باشد و منجر به مکانمندی، هویت‌مندی و پایداری معماری می‌شود. تسری مفهوم درونزایی به آموزش، طراحی و برنامه ریزی شهرسازی، هنر و نیز مدیریت شهری و روستایی در پژوهش‌های دیگری قابل تحقیق و تعمیم است.

منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۰)، قواعد کلی فلسفه اسلامی، جلد دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: تهران، ص ۵۹۱ به بعد.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۹۰)، حس وحدت، نقش سنت در معماری ایران، ت: ونداد جلیلی و احسان طایفه. تهران: علم معمار رویال، (نشر اثر اصلی ۱۹۷۳).
- اسلامی، غلامرضا (۱۳۹۲)، مبانی نظری معماری، عینکمان را خودمان بسازیم. تهران: پژوهشکده هنر و علم معمار. اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۸۰)، فرایند تولید و توسعه درون زا. مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۰: ۵۱-۴۴.
- الفتی، سمن؛ بابایی، الن (۱۳۸۰)، بررسی مدل رشد درونزا در اقتصاد ایران. مجله پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۲، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۱، صفحه ۱۶۹-۱۸۴
- پیرخضری، نورالدین، فلاح، محمدصادق (۱۳۹۶)، نقش دلالت‌های فرهنگی اجتماعی بر شکل خیمه (مطالعه موردی: سیاچادر بختیاری و آغچ اوئی ترکمن. هویت شهر، (1) 11، 43-52
- پرتوی، پروین (۱۳۸۷)، حس مکان، تهران، فرهنگستان هنر.
- تقوایی، ویدا (۱۳۸۹)، از چیستی معماری تا تعریف معماری، هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، ص ۷۵ تا ۸۶.
- تقوایی، سید حسین (۱۳۹۱)، از سبک تا هویت در معماری. نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲: ص ۶۵-۷۳.

- حسینی، سید روناک، اسلامی، سید غلامرضا، ماجدی، حمید(۱۳۹۴)، تدوین اصول رویکرد درونزا در آموزش معماری. مجله مدیریت شهری و روستایی، شماره ۴۴: ۱۷۵-۱۵۵.
- حسینی، مالک(۱۳۸۸)، وینکنشتاین و حکمت. نشر هرمس. (نشر اثر اصلی ۱۹۲۱).
- حمه جانی، یوسف، بایزیدی، قادر، سحابی، جلیل(۱۳۹۶). مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه‌شناسی. *باغ نظر* ۱۴ (۵۷): ۶۲-۴۵.
- دباغ، امیر مسعود؛ مختاباد امرایی، سید مصطفی(۱۳۹۰)، تاویل معماری پسامدرن از منظر نشانه‌شناسی. نشریه هویت شهر، (۹): ۵۹-۷۲.
- سالم محمد دانا، حسن پور فرامرزی، دژدار امید(۱۳۹۸)، گونه‌شناسی کالبدی-ذهنی مسکن بومی مناطق غرب کردستان بر بنیاد نگره تاریخی-تکاملی (مدرسه موراتوری. (مسکن و محیط روستا. ۱۳۹۸؛ ۳۸ (۱۶۵): ۴۸-۳۳.
- صافیان، محمد جواد؛ انصاری، مانده؛ غفاری، علی؛ مسعود، محمد(۱۳۹۰)، بررسی پدیدارشناسی هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری، نشریه پژوهش‌های فلسفی، دانشگاه تبریز، سال چهارم، شماره ۸.
- طهوری، نیر(۱۳۹۶)، آموختن از هایدیگر؛ پدیدارشناسی در معماری تأثیر فلسفه هایدیگر در نظریه پردازی معماری؛ هویت مکان در نظریات کریستین نوربرگ شولتس و کریستوفر الکساندر، فصلنامه کیمیای هنر، سال ششم، شماره ۲۵، ۷۳-۹۲.
- فلاح، محمد صادق(۱۳۹۵)، نگرشی مفهومی به انسان، طبیعت و معماری، نشر دانشگاه زنجان، چاپ اول.
- کدخداحمدی، امیر، دولت آبادی، فریبرز، کابلی، هادی(۱۳۹۹)، انکشاف جهان مکان در معماری مسکونی هورامان تخت (از منظر هستی‌شناسانه. نشریه علمی اندیشه معماری ۴ (۱): ۱۲۰-۱۳۴.
- گروت لیندا، وانگ دیوید(۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضاعینی فر(۱۳۹۲). تهران: چاپ هفتم، دانشگاه تهران.
- موسوی، سید جلیل، عینی فر، علیرضا، پرتوی، پروین، حبیب، فرح(۱۳۹۸)، گفت و گوی درون و برون در ۳۱. نگرش پدیدارشناسانه به مکان. نشریه هویت شهر، (۳۹): ص ۳۵-۴۶.
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی(۱۳۹۶)، مثنوی معنوی، تصحیح: محمد علی موحد. نشر هرمس.
- معماریان غلامحسین، عظیمی سیروان، کبودی مهدی. ریشه یابی کاربست رنگ آبی در پنجره‌های ابنیه سنتی مسکونی (نمونه موردی ابنیه مسکونی اورامان. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی. ۱۳۹۳؛ ۲ (۲): ۵۹-۴۶.
- مهدوی، ابوالقاسم، طاهری هنجنی، مرضیه، شمس الاحرار، فاطمه(۱۳۹۶)، تأثیرآزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب حوزه خاورمیانه (با تأکید بر مدل‌های رشد درونزا)، مجله اقتصاد کاربردی، شماره ۲۰، ۱۱-۲۲.
- لنگ، جان(۱۳۸۶)، آفرینش نظریه معماری، ت: علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، (نشر اثر اصلی ۱۹۸۷).
- نیچه، فریدریش، هایدگر، مارتین، گادامر، هانس گئورگ(۱۳۷۷)، گزیده جستارهای هرمنوتیک مدرن. (ت: بابک احمدی، مهران مهاجر و محمد نبوی، مترجمان). تهران: چاپ اول، نشر کانون چاپ.

نوربرگ، شولتز، کریستیان (۱۳۹۳)، معماری: معنا و مکان، مترجم: ویدا نوروز برازجانی، پرهام نقش. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸).

نوربرگ - شولتز، کریستیان (۱۳۸۱)، مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی، ت: محمود امیر یاراحمدی، تهران: آگه.

Heidegger, Martin; (1971) , Building Dwelling Thinking” in: Poetry, Language, Thought ; trans. Albert Hofstadter; New York, Harper & Row.

Malpas, ieff. 2006. *Hidegger's Topologe*. Cambridge: MIT PRESS .

Magee, B. 1978. Men of Ideas: Some Creators of Contemporary Philosophy, Oxford University Press, 1978 ISBN0-19-283034-1 (later titled Talking Philosophy: Dialogues With Fifteen Leading Philosophers .)

Magee, Bryan. 2016. The story of philosophy, The essential gnide to 2500 years of western philosophy, published: 2May 2016, ISBN: 9180241241264, Hard back, Penguin Books Australia, Dorling Kindersley .

Rapaport, Amos (1969) , House Form and culture, University college London 29.

Romer, P. M. (1994) , *The Origins of Endogenous Growth*, Journal of Economic Perspectives, Vol. 8. , No. 6 .

We, Gladys, 1994, *What is Endogenous Theory?* [http: //thump. cprost. sfu. ca/we/mise/endogenous](http://thump.cprost.sfu.ca/we/mise/endogenous), Gladys we (we@sfu. eas. .)